

راهنمای تدوین نقشه راه و برنامه راهبردی بانکها برای رسیدن به بانکداری اسلامی

محمد رضا مردانی^۱

روح اله تولایی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۵/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۱

چکیده

تحقیق حاضر با هدف بررسی و تدوین الگویی پیشنهادی برای تدوین نقشه راه و برنامه راهبردی بانکها برای رسیدن به بانکداری اسلامی انجام شده است. اصلی ترین تفاوت بانکداری اسلامی با بانکداری متعارف این است که در بانکداری اسلامی به جای مبنا قرار گرفتن عامل زمان برای تخصیص سود، عامل ارزش افزوده برای تخصیص سود لحاظ می شود. علی رغم اقدامات نظری و عملی انجام شده در زمینه بانکداری اسلامی، اما بدون بررسی چالش های نظام فعلی بانکداری با یک رویکرد راهبردی، نمی توان بهبود قابل ملاحظه ای را در سیستم بانکداری ایجاد کنیم؛ لذا داشتن یک نقشه راه لازمه هر نوع تحول بنیادین در سیستم بانکداری کشور است.

تحقیق حاضر با روش توصیفی-مروری انجام شده است. به همین منظور ابتدا با بررسی توصیفی مبانی نظری و پیشینه نظری و عملی بانکداری اسلامی در ایران و کشورهای پیشرو، چارچوب اولیه تدوین نقشه راه و برنامه راهبردی بانکداری اسلامی تدوین شده است. سپس با تشکیل جلسات گروه کانونی و خبرگی (با حضور خبرگان دانشگاهی و حوزوی) در مرکز مطالعات بانکداری اسلامی بانک دی، نقشه راه اولیه مورد بحث و بررسی قرار گرفته و روش شناسی انجام هر کدام از مراحل تدوین شده است.

با استفاده از چارچوب پیشنهاد شده در این تحقیق، بانکها و موسسات مالی و اعتباری می توانند با توجه به شباهت های عملکردی و پستانسسیل های منحصر به فردی که دارند، نقشه راه و راهبردهای بانکداری اسلامی خود را در سه حوزه اصلی شامل پژوهش، آموزش و اجرا به صورت راهبردهای کلان و خرد طراحی نموده و عوامل کلیدی موفقیت و نقاط ارزش آفرین خود را تعیین نمایند.

واژگان کلیدی: احکام اسلامی، بانکداری اسلامی، روش شناسی، راهبرد، نقشه راه.

طبقه بندی JEL: B41, G21, Z12

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه جامع امام حسین (ع)

۲. عضو هیأت علمی دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

در چند دهه‌ی اخیر تحولات چشمگیری در صنعت بانکداری ایجاد شده است. نظام بانکداری بدون ربا و بانکداری اسلامی، بی‌تردید یکی از مهم‌ترین تحولاتی است که در بانک‌های دنیا و خصوصاً در کشورهای اسلامی پا گرفته و رو به گسترش است. اگرچه در ابتدا به این سیستم بانکداری به دیده‌ی تردید نگریسته می‌شد، لیکن در حال حاضر به عنوان یک نظام بانکی قابل اجرا در سطح جهانی مورد پذیرش قرار گرفته است (سایه‌میری و همکاران، ۱۳۹۳).

ایده بانکداری اسلامی در دهه ۱۹۵۰ مطرح شده است (اکبریان و رفیعی، ۱۳۸۶). نخستین بانک سرمایه‌گذاری اسلامی در دهه ۱۹۶۰ در مالزی و مصر شکل گرفت و بعد از آن در سال ۱۹۷۴ بانک اسلامی دبی تأسیس شده و امروزه تعداد این بانک‌های اسلامی در سراسر جهان فراتر از ۱۰۰ نوع است (Sarker, 2004).

بانکداری اسلامی نوعی بانکداری یا فعالیت بانکی است که مطابق قوانین دین مبین اسلام (فقه اسلام) است و کاربرد عملی آن در توسعه "اقتصاد اسلامی" است. برای مثال فقه اسلامی، اجازه نمی‌دهد که برای دریافت وام، بهره‌ای (به شرطی که از پیش تعیین شده باشد) پرداخت شود. همچنین از نظر دین اسلام، سرمایه‌گذاری در تجارتی که فراهم‌کننده سود یا خدمتی باشد ولی با قوانین اسلام سازگار باشد نیز ممنوع و حرام است. البته بانکداری طبق قوانین اسلام می‌تواند بر مبنای احکام اجتماعی اسلامی، حالات متفاوت داشته باشد.

مجلس شورای اسلامی ایران در سال ۱۳۶۲ قانونی را با عنوان قانون عملیات بانکی بدون ربا تصویب کرد که از سال ۱۳۶۳ اجرایی شد. بر طبق این قانون در خصوص رفع حرمت ربای قرضی در سپرده‌گذاری و اخذ سود این‌طور آورده شده که سپرده‌گذاری در بانک، تحت عقد قرض نباشد، بلکه تحت عقود دیگر مانند وکالت باشد. به این صورت که سپرده‌گذار، پول خود را تحت عقد وکالت در اختیار بانک قرار می‌دهد و بانک نیز به عنوان وکیل پول را به چرخه اقتصاد وارد کرده و در اموری مانند مضاربه، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات و ... استفاده می‌کند و در نتیجه، از این تجارت‌ها سودی حاصل می‌کند. در نهایت بانک به عنوان وکیل، حق‌الزحمه خود را از سود کسر کرده و مابقی را به مشتری تحویل می‌دهد (تبصره ماده ۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا).

صاحب‌نظران توسعه اقتصادی کشور معتقدند در صورتیکه که بانکداری اسلامی بتواند در ایران به طور کامل اجرایی گردد، توفیقات مادی و معنوی بسیار زیادی را برای اقتصاد کشور در پی خواهد داشت. از همین رو تا کنون طرح‌های پژوهشی و فعالیت‌های متعددی به صورت جزیره‌ای در این زمینه خصوصاً پس از پیروزی انقلاب اسلامی انجام شده است.

با این وجود به دلیل مسائل و چالش‌های مختلفی که در این زمینه وجود دارد، همچنان تا پیاده سازی کامل بانکداری اسلامی مسیر طولانی باقی مانده است. مهمترین مسائل و مشکلات بانکداری اسلامی و بانکداری بدون ربا در ایران به طور خلاصه عبارتند از:

- ۱- صوری بودن بخشی از عملیات بانکی به علت تبدیل شدن تمام عملیات بانکی به عقودهای معاملاتی؛
 - ۲- پایین بودن میزان گرایش بانک‌ها به مشارکت واقعی در پروژه‌ها و گرایش بیشتر به عقودهای معاملاتی مثل فروش اقساطی به جای عقود مشارکتی مانند عقد مضاربه، مشارکت و
 - ۳- فقدان نظام حسابداری کارآمد و استاندارد (استفاده از روش حسابداری نقدی به جای روش تعهدی که باعث می شود بازپرداخت اغلب وام‌های تخصیص یافته به دولت، معوقه یا سوخت شده شمرده شود)؛
 - ۴- عدم پرداخت سود واقعی به سپرده‌گذاران (به علت عدم تفکیک منابع مالی وکالتی (سپرده‌گذاران) از منابع مالکانه (دارایی‌های بانک) و استفاده از نظام حسابداری نقدی به جای تعهدی که باعث کاهش سود تعلق یافته به سپرده‌گذاران می‌شود)؛
 - ۵- عدم تمایل به پذیرش ریسک سرمایه‌گذاری از طرف بانک و عدم مشارکت بانک در پروژه‌های سرمایه‌گذاری؛
 - ۶- عدم وجود روش مناسبی برای تمدید زمان بازپرداخت تسهیلات بانکی؛
 - ۷- ضعف نظام نظارتی و بازرسی کارآمد؛
 - ۸- ضعف توان و عدم وجود کارشناسان متخصص در بانک‌ها برای تعیین طرح‌های دارای توجیه فنی و اقتصادی بالا؛
 - ۹- فقدان اعتقاد جامعه به اسلامی بودن عملیات بانکی؛
 - ۱۰- محدودیت‌های عقود در اعطای تسهیلات (به علت نبود نظام اطلاعاتی منسجم) (اکبریان و رفیعی، ۱۳۸۶).
- موارد مذکور لزوم مطالعه و پژوهش بیشتر در زمینه‌ی بانکداری اسلامی و استخراج برنامه‌های عملیاتی دقیق‌تر و منسجم‌تری را در این حوزه مشخص می‌کند.

ضرورت و اهمیت تحقیق

مالیه‌ی اسلامی به سرعت رشد کرده است و انتظار می‌رود در سال ۲۰۱۵ به ۲ تریلیون دلار در دارایی‌ها برسد. (Ey, 2014) به منظور پشتیبانی اساسی از این رشد، بانک‌های اسلامی بانک‌داران معمولی را استخدام کرده‌اند و همچنین مدل‌های بانک‌داری معمولی را نیز در عملیات خود به کار گرفته‌اند. بانک‌های اسلامی، در حال حاضر، از یک مدل بانک‌داری سنتی استفاده می‌کنند که در آن سپرده‌ها ذیل قسمت بدهی‌ها و عمدتاً قراردادهای بدهی ذیل قسمت دارایی‌ها قرار می‌گیرد. (Azmat & others, 2015) بنابراین تقویت سازوکارهای بانک‌داری اسلامی و رفع نواقص و ایرادات آن، پیش از آن‌که بر بانک‌های داخلی کشور مترتب باشد، یک نیاز جهانی است و دست‌کم مورد نیاز تمامی کشورهای اسلامی است.

به طور کلی، وظیفه‌ی اصلی بانک‌ها به غیر از ارائه‌ی انواع خدمات بانکی، تجهیز و تخصیص منابع است و در حقیقت بانک‌ها، به عنوان یک واسطه‌ی مالی از یک‌سو پس‌انداز و منابع مازاد و سرگردان جامعه را جذب (تجهیز منابع) می‌کنند و از سوی دیگر با وکالت از آنان اقدام به اعطای تسهیلات مالی (تخصیص منابع) به اشخاص حقیقی یا حقوقی نیازمند می‌نمایند. این منابع مالی جهت انجام فعالیت‌های قانونی و شرعی در قالب عقود اسلامی است که ماحصل انجام آن کسب سود (انتفاع) بوده و بانک آن را پس از کسر حق‌الوکاله خود مابین سپرده‌گذاران تقسیم می‌نماید. بنابراین امروزه بانک‌ها با توجه به تحولات اقتصادی و روند رو به رشد بازارهای جهانی اقدام به فعالیت‌های متعدد در بازارهای پولی، مالی و ارزی نموده که نتیجه‌ی آن قطعاً شکوفائی اقتصاد کشور و پیشرفت اجتماعی و نهایتاً تحقق رفاه همگانی خواهد بود. (سایه‌میری و همکاران، ۱۳۹۳) در ۲۵ سال گذشته نزدیک به ۶۹ بحران بانکی در کشورهای در حال توسعه و کشورهای نوظهور در عرصه‌ی توسعه‌ی اقتصادی (کشورهای آسیای شرقی و جنوب شرقی) به وجود آمده که هزینه‌های سنگینی بر بدنه اقتصادی این کشورها تحمیل کرده است. از این رو بررسی ثبات و کارایی بانکی و عوامل مؤثر بر آن در اقتصاد هر کشور یا منطقه (چه توسعه یافته و چه در حال توسعه) برای بهبود رشد و توسعه‌ی اقتصادی در داخل کشور از اهمیت زیادی برخوردار است. (شایگانی و ارانی، ۱۳۹۰)

اگر قرار باشد تغییر و تحولی در درون یک سیستم ایجاد شود برای اینکه به برنامه‌ای عملیاتی برسیم ابتدا باید ببینیم در وضعیت و نظام بانکی فعلی با چه چالش‌هایی مواجه هستیم. به تعبیر دیگر باید نقاط ضعف و قوت آن سیستم در مقایسه با سایر سیستم‌ها و بانک‌های اسلامی در سایر کشورها بررسی شوند تا ببینیم تا چه اندازه جلوتر یا عقب‌تر هستیم و در این صورت نقاط ضعف و قوت داخلی و فرصت‌ها و تهدیدات خارجی و اینکه در آینده چه اقداماتی باید برای بهبود وضعیت فعلی انجام دهیم مشخص می‌شود. اینها اقداماتی است که بری تدوین نقشه راه بانکداری اسلامی

انجام شود و بدون بررسی چالش‌های نظام فعلی نمی‌توان هیچ بهبود قابل ملاحظه‌ای را در سیستم ایجاد کنیم؛ بنابراین داشتن یک نقشه راه لازمه هر نوع تحول بنیادین در سیستم بانکداری کشور است. البته باید به یاد داشت که این شرط لازم است اما کافی نیست؛ بدین معنا که برای اینکه به یک تحول مثبت در نظام بانکداری اسلامی برسیم حتماً به یک نقشه راه نیازمندیم اما این سخن بدین معنی نیست که با داشتن نقشه راه به همه اهداف خود دست پیدا کنیم اما بدون نقشه راه هم تحولی اتفاق نخواهد افتاد. به همین دلیل بهتر بود قبل از اینکه بخواهیم قانون عملیات بانکی بدون ربا را اصلاح کنیم این مطالعات اولیه صورت می‌گرفت و بر پایه برنامه‌ای که برای آینده داشتیم تغییرات لازم در این قانون را اعمال کنیم (ندری، ۱۳۹۴).

لذا برای اینکه فعالیت‌های انجام شده در زمینه بانکداری اسلامی ناقص و کم اثر نباشد، نیاز به تدوین نقشه راه جامع و برنامه راهبردی بانکداری اسلامی می‌باشد. با تدوین نقشه جامع در این زمینه، بانک‌های کشور می‌توانند برنامه‌های خود را در حوزه‌های اصلی پژوهشی، آموزشی و اجرایی بانکداری اسلامی به طور کارآمد و اثربخش اجرا نمایند.

ادبیات نظری و پیشینه اجمالی تحقیق

گرچه التزام افراد به اطاعت از پروردگار (در تمام احکام به صورت عام و در بحث‌های اقتصادی مانند حرمت ربا به طور خاص) مشروط به فهم حکمت دستورهای الهی نیست، اما چنین فهمی اگر بتواند انجام شود، پسندیده و مطلوب خواهد بود. زیرا فهم حکمت احکام، قبول آنها را (خصوصاً برای عموم مردم) ساده‌تر ساخته و در تطبیق اصول کلی در موقعیت‌های خاص کمک می‌کند. این بحث به ویژه درباره دستورات الهی مرتبط با موضوعات مادی صحیح به نظر می‌رسد. همانطور که در حوزه معامله‌ها، حکمت نهفته در قانون‌های الهی، منافی است که این دستورها برای بشر به همراه خواهند داشت. همچنین باید گفت هرچه فهم ما از منافع پرهیز از بهره بیشتر باشد، توانایی ما در حفظ این منافع و اجرای بانکداری اسلامی به صورتی که منافع پیش گفته حفظ شود، بیشتر خواهد بود (Chapara, 2007).

آموزه‌های جهان‌شمول اسلام همچون توجه به ابعاد معنوی و اخلاقی حیات انسان، رابطه متوازن فرد و جامعه، مسئولیت‌پذیری آحاد جامعه نسبت به یکدیگر به ویژه محرومان، حقوق مالکیت شفاف به ویژه در تنظیم روابط کارگزاران اقتصادی و نیز حقوق و تکالیف متقابل دولت و مردم، نیز منع ربا، غرر، قمار، انحصار، کنز و احتکار، سفته بازی و دس‌تکاری قیمت از طریق تبانی و نجش و... ظرفیت ارائه الگوی جامع برای اداره شئون حیات بشری داراست. الگوی مورد نظر بدون

۱. به نقل از پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی :

<http://www.mbri.ac.ir>

تردید تورم، بیکاری، فقر و نابرابری و سایر موانع اقتصادی و اجتماعی تحقق حیات طیبه و ابتغاء دارالآخره را بر نمی‌تابد (باستانی فر و همکاران، ۱۳۹۴).

اولین تجربه‌ی مدرن از بانکداری اسلامی در اسقرار بانک پس‌انداز میت‌غمر^۱ در مصر در سال ۱۹۶۳ قابل ردگیری است. با این حال در طول چهار دهه‌ی گذشته، بانکداری اسلامی به سرعت از لحاظ شمار و اندازه و تعداد افراد مؤثر رشد کرده است. بانکداری اسلامی امروزه در بیش از ۵۰ کشور در سراسر جهان تجربه شده است. بانکداری اسلامی در کشورهای ذیل تجربه شده اما به آن‌ها محدود نمی‌شود: آلبانی، الجزایر، استرالیا، باهاما، بحرین، بنگلادش، جزایر ویرجین بریتانیا، بروئی، کانادا، جزایر کیمن، قبرس شمالی، جیبوتی، مصر، فرانسه، گامبیا، آلمان، گینه، هند، اندونزی، ایران، عراق، ایتالیا، ساحل عاج، اردن، قزاقستان، کویت، لبنان، لوکزامبورگ، مالزی، موریتانی، مراکش، هلند، نیجر، نیجریه، عمان، پاکستان، فلسطین، فیلیپین، قطر، روسیه، عربستان سعودی، سنگال، سنگاپور، آفریقای جنوبی، سری‌لانکا، سودان، سوئیس، تونس، ترکیه، ترینیداد و توباگو، امارات متحده‌ی عربی، انگلستان، ایالات متحده و یمن. تاکنون در کشورهای ایران، پاکستان و سودان، تنها بانکداری اسلامی قانونی است و در سایر کشورها مانند بنگلادش، مصر، اندونزی، اردن و مالزی، بانکداری اسلامی در کنار بانکداری معمولی وجود دارد. رشد سریع بانکداری اسلامی تعدادی سؤال مهم را برمی‌انگیزد: آیا رشد در بانکداری اسلامی نتیجه‌ی مزیت‌های نسبی پارادایم بانکداری اسلامی است یا تا حد زیادی به تجدید حیات اسلامی در سطح جهان از اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ نسبت دادنی است؟ آیا بانک‌های اسلامی باید متفاوت از هم‌تایان غربی خود تنظیم شوند؟ بدین ترتیب، سؤالی مهم در فهمیدن رشد بانکداری اسلامی-همانند تنظیم و سرپرستی این بانک‌ها- این است که چه‌گونه و تا چه اندازه این نوع بانکداری از بانکداری معمولی متفاوت است. (Chong & Liu, 2009)

از دیدگاه نظری، بانکداری اسلامی با بانکداری معمولی متفاوت است به خاطر ممنوع بودن ربا در اسلام؛ یعنی بانک‌ها اجازه ندارند نرخ بازگشت ثابتی بر سپرده‌ها را پیشنهاد کنند و اجازه ندارند بر وام‌ها سودی دریافت کنند. ویژگی منحصر به فرد بانکداری اسلامی، الگوی به اشتراک‌گذاری سود-زیان آن (PLS)^۲ است؛ که عمدتاً مبتنی بر مفاهیم مضاربه (به اشتراک‌گذاشتن سود) و مشارکه (سرمایه‌گذاری مشترک) در قراردادهای اسلامی می‌باشد. (Chong & Liu, 2009)

در الگوی PLS، دارایی‌ها و بدهی‌های بانک‌های اسلامی یک‌پارچه هستند، به این معنا که وام‌گیرندگان سودها و زیان‌ها را با بانک‌ها به اشتراک می‌گذارند؛ که به نوبه‌ی خود به اشتراک

۱. Mit Ghamr

2. Profit-Loss Share

گذاری سودها و زیانها با سپرده‌گذاران است. به این ترتیب مدافعان بانکداری اسلامی استدلال می‌کنند که بانکهای اسلامی به لحاظ نظری از بانکهای معمولی برای پذیرفتن شوکهای خارجی آماده‌تر هستند، چرا که زیانهای تأمین مالی بانکها تا اندازه‌ای توسط سپرده‌گذاران جذب می‌شود. (Khan & Mirakhor, 1989; Iqbal, 1997) به طور مشابه، ویژگی به اشتراک گذاری ریسک الگوی PLS به لحاظ نظری به بانکهای اسلامی اجازه می‌دهد تا بر یک مبنای بلند مدت به پروژه‌هایی با ریسک برگشت بالاتر وام دهند و به این ترتیب رشد اقتصادی را بهبود بخشند. (Chapra, 1992; Mills & Presley, 1999)

نظام بانکداری ایران از سال ۱۳۶۲ با توجه به اینکه قانون جدید بیشتر ناظر بر حذف ربا از سیستم بانکی است، «بانکداری بدون ربا» نامگذاری شد؛ اما در بانکداری اسلامی علاوه بر حذف ربا از سیستم بانکی و انجام قراردادهای براساس عقود اسلامی، روی موازین دیگر دین مبین اسلام هم تأکید می‌شود. بانکداری اسلامی ممکن است واژه‌ای آشنا به ذهن باشد، ولی واقعیت این است که مفهوم، حدود و الزامات آن به طور دقیق تبیین نگشته است. از زمانی که بانک و بانکداری در کشورهای مختلف و به ویژه کشورهای اسلامی شکل و رونق گرفت، ایرادات اساسی بر نظام بانکداری از نظر شرعی وجود داشت و همواره علمای مسلمان بر لزوم رفع این ایرادات اتفاق نظر داشته‌اند (وحیدی تورچی و خاکی، ۱۳۹۲).

بانک اسلامی، مؤسسه‌ای پولی و مالی است که سعی دارد با استفاده از عقود اسلامی و قراردادهای مورد رضایت اسلام، معاملات مورد انتظار از بانک را ارائه دهد؛ و در عین حال، جنبه‌هایی مانند عدالت و اخلاق اسلامی را نیز مورد توجه قرار دهد. به تعبیر دیگر، توزیع عادلانه تسهیلات بانکی بین بخش‌ها و اقشار مختلف جامعه، تعیین عادلانه نرخهای سود و رعایت اخلاق اسلامی از ویژگی‌های بارز بانکداری اسلامی است. با وجود همه‌ی تفا سیر موجود و شناسایی نارسایی‌ها، تنظیم قانون عملیات بانکی بدون ربا در ایران در زمانی انجام گرفت که این نوع از بانکداری، چه در عرصه نظری و چه در عرصه عملی، دوره‌ی طفولیت خود را می‌گذراند و در خیلی از ابعاد بانکداری به ویژه در مباحث بانک مرکزی و سیاست‌های پولی و ابزارهای آن، کار تحقیقی زیادی صورت نگرفته بود؛ در نتیجه طراحان قانون عملیات بانکی بدون ربا، از باب احتیاط برخی از ابزارهای مشروع، چون تغییر در نرخ سپرده‌ی قانونی، تغییر در نرخ تنزیل مجدد و عملیات بازار باز (از طریق ابزارهای مالی اسلامی) را کنار گذاشته و به ابزارهایی روی آوردند که اولاً از جهت مفهوم ابهام داشته و ثانیاً کارایی لازم را نیز ندارند. این در حالی است که در سایه‌ی مطالعات جدید بانکداری و مالییه‌ی اسلامی می‌توان از ابزارهای بیشتر و کارتری استفاده کرد که امروز ضرورت ایجاد آنها انکارناپذیر است (موسویان، ۱۳۸۵).

در سال‌های اخیر و بعد از اجرایی شدن الگوهای متفاوتی از بانکداری اسلامی در کشورهای مختلف اسلامی خصوصاً قانون عملیات بانکداری بدون ربا در کشور، مطالعات متفاوتی در ارتباط با مشکلات بانکداری از لحاظ نظری و عملی انجام شده است. در واقع ارائه راهکارهایی برای رفع معضلات بانکداری اسلامی و همچنین ارتقاء آن در قالب مطالعات متعددی که در زمینه معرفی مشکلات بانکداری اسلامی می‌باشند، ارائه شده است (نظریور و لطفی نیا، ۱۳۹۴).

تجربه‌ی بیش از سه دهه اجرای بانکداری بدون ربا در ایران نشان می‌دهد که این الگو گرچه توانسته خلأ حاصل از حذف ربا را تا حدودی پرکند، لیکن در عمل با چالش‌هایی همراه است. قانون فعلی بانکداری بدون ربا، افزون بر این که برخی از این نیازها را جواب نمی‌دهد یا کامل جواب نمی‌دهد، با برخی نارسایی‌های فنی و شرعی نیز مواجه است. یکی از اشکالات و نارسایی‌های عمده قانون عملیات بانکی بدون ربا، عدم ارائه تعریفی روشن و کاربردی از نظام بانکی و تبیین قلمروی شمول قانون است. همیشه یک قانون مناسب بایستی از جهت قلمروی شمول قانون روشن و گویا باشد؛ اما این ویژگی در قانون فعلی رعایت نشده است. در ادامه برخی از مهم‌ترین ایرادات مطرح در الگوی بانکداری بدون ربا عنوان می‌گردد (موسویان، ۱۳۸۵):^۱

۱. تعدّد و تنوّع عقود: به کارگیری ۲۱ نوع قرارداد، با ماهیت‌های متفاوت غیرانتفاعی، مبادله‌ای با سود معین، مشارکتی با سود متغیر و سرمایه‌گذاری مستقیم، موجب می‌شود که فرایند آموزش کارکنان و مشتریان بانکها، پیچیده، طولانی و پرهزینه شود؛ این در حالی است که تجربه‌ی بانک‌های بدون ربا نشان می‌دهد که با حداکثر پنج یا شش نوع قرارداد هم می‌توان تمام نیازهای مشتریان را جواب داد.

۲. صوری شدن معاملات: گرچه صوری شدن معاملات در بانک‌های بدون ربا علل و عوامل مختلف دارد، لیکن یکی از عوامل مهم آن آموزش ناکافی کارگزاران بانک و عدم تفهیم مناسب مشتریان است. تعدّد بیش از حد عقود و پیچیده و پرهزینه شدن فرایند آموزش موجب می‌شود که کارگزاران بانک اطلاعات کافی و لازم پیرامون کاربرد صحیح عقود نداشته باشند و در نتیجه نتوانند مشتری را متناسب با نیاز واقعی راهنمایی و تفهیم کنند و این وضع باعث می‌شود که خیلی از قراردادها صوری و غیر واقعی باشند.

۳. عدم تناسب برخی از عقود با ماهیت بانکها: الگوی فعلی بانکداری بدون ربا ایران فرقی بین بانک‌های تجاری که به طور معمول در فعالیت‌های کوتاه‌مدت تا میان‌مدت فعالیت می‌کنند با

۱. لینک کوتاه به این مطلب

بانک های تخصصی سرمایه گذاری که به طور معمول در فعالیتهای میان مدت تا بلندمدت فعالیت می کنند، نگذاشته است و تمام عقود برای تمام بانک ها اعم از تجاری و تخصصی قابلیت اجرا دارند.

۴. هزینه های بالای اجرای صحیح برخی از عقود در بانک ها: عقود مشارکتی، به ویژه مشارکت مدنی و مضاربه، همین طور سرمایه گذاری مستقیم احتیاج به ساختار و نیروی انسانی مناسب دارند تا بانک با مطالعه دقیق طرح ها از توجیه اقتصادی آنها مطلع شود و در مراحل اجرا و بهره برداری نیز با نظارت و کنترل موثرتر توسط کارشناسان شایسته، بتواند از حقوق بانک و سپرده گذاران دفاع کند. این در حالی است که بانک های تجاری که در همه بخش های اقتصادی فعالیت می کنند، اغلب ساختار و نیروی انسانی متخصص و مناسب برای این کار را ندارند و اگر بخواهند در مرحله های مختلف فعالیت کنند، هزینه عملیاتی شان به شدت بالا می رود. در حالی که این بانک ها می توانند با تمرکز بر روی عقود مبادله ای همه ی نیازهای مورد انتظار از بانک تجاری را پاسخ دهند.

۵. عدم انطباق ماهیت سپرده ها با اهداف و سلیقه ی سپرده گذاران: یک نظام بانکی جامع باید با طراحی انواع سپرده ها، توان جذب وجوه مازاد تمام سپرده گذاران را داشته باشد. مطالعه ی اهداف، انگیزه ها و روحیات سپرده گذاران در جوامع اسلامی نشان می دهد که حداقل با انواع سپرده گذاران زیر مواجه هستیم:

- الف) کسانی که برای استفاده از خدمات حساب جاری اقدام به سپرده گذاری می کنند.
- ب) کسانی که برای مشارکت در ثواب اعطای قرض الحسنه اقدام به سپرده گذاری می کنند.
- پ) کسانی که به قصد پس انداز سپرده گذاری می کنند و در عین حال می خواهند سودی هم دریافت کنند.
- ت) کسانی که برای کسب سود معین و ثابت سپرده گذاری می کنند.
- ث) کسانی که برای رسیدن به سود انتظاری بالاتر سپرده گذاری می کنند و آماده پذیرش ریسک هم هستند.

الگوی فعلی بانکداری بدون ربا، تنها برای گروه های اول و دوم و تا حدودی برای گروه آخر جواب مناسب دارد، ولی نسبت به گروه های سوم و چهارم روشی را معرفی نمی کند. این در حالی است که در الگوی جدید نشان داده می شود که با استفاده از معاملات شرعی برای این دو گروه نیز می توان سپرده ی مناسب طراحی کرد.

۶. عدم تناسب برخی از عقود با مقاصد متقاضیان: مطالعه قراردادهای مشارکت مدنی و مضاربه بانک های تجاری نشان می دهد که در غالب این موارد، نه بانک و نه متقاضی تسهیلات در صدد مشارکت یا مضاربه واقعی نیستند. در اکثر این موارد به ظاهر قرارداد مشارکت یا مضاربه منعقد می گردد، لیکن در عمل هیچ یک از طرفین ملتزم به لوازم آن نیستند.

۷. عدم تعادل نرخ سود سپرده و تسهیلات: این واقعیت را باید به خاطر داشته باشیم، تا وقتی که نرخ بهره (سود) بانکی از نرخ بهره بازار کمتر است، میل وافری برای دریافت تسهیلات از بازار رسمی پول (شبکه بانکی) و سرمایه‌گذاری آن در بازار غیر رسمی وجود دارد؛ از زاویه دیگری نیز می‌توان به این موضوع نگریست در صورتی که فاصله نرخ تورم انتظاری از نرخ بهره بانکی قابل توجه باشد، تقاضا برای دریافت تسهیلات بانکی بسیار پر قدرت ظاهر خواهد شد. در حال حاضر دیدگاه بخشی از آحاد جامعه این است که دسترسی به تسهیلات کلان بانکی، مختص قشر خاصی از جامعه است که از ارتباطات خاصی برخوردارند، یا قادرند برای دریافت تسهیلات از روش‌های غیر رسمی هزینه نمایند؛ این طرز فکر با فرض اینکه نادرست نیز باشد، نیازمند اصلاح است که اقتناع افکار عمومی تنها با شفاف‌سازی مراحل پرداخت تسهیلات میسر خواهد شد.

۸. درآمد بانک‌ها مورد نقد است: در عین اینکه بانک‌ها وکیل سپرده‌گذاران هستند و طبق قرارداد موجود، صرفاً در این عملیات، باید حق‌الوکاله از سپرده‌گذار دریافت کنند و سود دریافتی از گیرنده تسهیلات، متعلق به سپرده‌گذار است، بانک‌ها سود دریافتی از گیرندگان تسهیلات را به عنوان درآمد بانک ثبت می‌کنند. با وجود عقد وکالت بین بانک و سپرده‌گذار، سود پرداختی به سپرده‌گذاران به عنوان ردّ امانت به سپرده‌گذار درج نمی‌شود و به عنوان هزینه ثبت می‌شود. در حالی که بانک امانتدار سپرده‌گذاران است و باید وجوه حاصله از گیرندگان تسهیلات سرمایه‌گذاری را به عنوان منابع و وجوه جمع‌آوری شده متعلق به موکلین خود منظور کند و آن را به موکلین خود منتقل کند و صرفاً حق‌الوکاله را به عنوان درآمد بانک ثبت کند.

تاریخ بانکداری بدون ربا را میتوان به دوره‌های متفاوتی تقسیم کرد:

الف) دوره اول مربوط به زمانی است که نظام بانکداری بدون ربا فقط به صورت یک ایده، مورد توجه و مطالعه قرار گرفت. در این دوره آثاری از انور اقبال القریشی (۱۹۴۶)، نعیم صدیقی (۱۹۴۸) و محمد احمد (۱۹۵۲) ارائه شد و به دنبال آن مودودی (۱۹۶۱) و آثار محمد حمیدالله در سال‌های (۱۹۴۴، ۱۹۵۵، ۱۹۵۷، ۱۹۶۷) در معرفی ایده بانکداری بدون ربا می‌کوشیدند. در این آثار کوشش شده تا بانک در جایگاه واسطه مالی و به عنوان وکیل سپرده‌گذاران، وجوه را پذیرفته و با قرارداد مشارکت یا مضاربه در اختیار متقاضیان سرمایه قرار داده و سود و ضرر حاصله به حسب قرارداد، بین طرفین تقسیم شود. (Abdul & Gafoor, 1995)

ب) در دو دهه بعد کوشش‌های دقیق‌تری درباره این موضوع انجام پذیرفت و نویسندگان کوشیدند تا الگویی عملی از بانکداری بدون ربا را ارائه کنند؛ آثاری مانند محمد عزیر (۱۹۵۹)، شهید آیت‌الله صدر (۱۹۶۱) و (۱۹۷۴) و پس از آن‌ها عبدالله عربی (۱۹۶۷) نجات‌الله صدیقی (۱۹۶۱) و (۱۹۷۱) و النجار (۱۹۷۱) را می‌توان در این ردیف ذکر کرد.

ج) در طول ده سال بعد از تأسیس نخستین بانک تجاری خصوصی در دبی، بیش از پنجاه بانک بدون بهره در سراسر دنیا تأسیس شد که بیشتر آنها در کشورهای اسلامی استقرار داشتند. (کميجانی و همکاران، ۱۳۹۲)

در خصوص پیشینه علمی، پژوهشی و قانونی موضوع بانکداری اسلامی، اولاً قوانین و مصوباتی^۱ به خصوص مصوبات بانک مرکزی جمهوری اسلامی - وجود دارد که کلیات نحوه فعالیت های بانک ها و حدود اختیارات آن ها را مشخص می نماید؛ و ثانیاً پژوهش ها و مطالعات متعددی در زمینه بانکداری اسلامی، بانکداری بدون ربا، نرخ بهره و ابزارهای مالی صورت گرفته است؛ اما وجود برنامه ای عملیاتی و نقشه ی استراتژیک جهت پیاده سازی یافته های پژوهشی در این حوزه ضروری است و فقدان آن احساس می شود.

روش تحقیق

تحقیق حاضر با روش توصیفی-مروری و با هدف بررسی و تدوین الگویی پیشنهادی برای تدوین نقشه راه و برنامه راهبردی بانکها برای رسیدن به بانکداری اسلامی انجام شده است. به همین منظور ابتدا با روش مطالعات کتابخانه ای و بررسی اسنادی، به بررسی توصیفی مبانی نظری و پیشینه نظری و عملی بانکداری اسلامی در ایران و کشورهای پیشرو پرداخته شده و چارچوب اولیه تدوین نقشه راه و برنامه راهبردی بانکها برای رسیدن به بانکداری اسلامی تدوین شده است.

سپس با روش گروه کانونی^۲ و تشکیل جلسات خبرگی با حضور ۵ نفر از خبرگان دانشگاهی و حوزوی در مرکز مطالعات بانکداری اسلامی بانک دی، نقشه راه اولیه مورد بحث و بررسی قرار گرفته و روش شناسی انجام هر کدام از مراحل تدوین شده است. این الگو با هدف قابلیت تعمیم برای سایر بانکها و موسسات مالی و اعتباری کشور در جهت تدوین نقشه راه خود در بانکداری اسلامی، تدوین و پیشنهاد شده است. سپس با روش دلفی^۳ نقشه تدوین شده با دوبار رفت و برگشت به نظر خبرگان تحقیق گذارده شده و اصلاحات نهایی انجام شده است.

یافته های تحقیق

بر اساس یافته های تحقیق حاضر الگوی پیشنهادی روش شناسی برای تدوین نقشه راه و برنامه راهبردی بانکداری اسلامی، شامل ۵ مرحله ی اصلی به شرح زیر می باشد:

۱. قابل دسترس در پورتال پژوهشکده پولی و بانکی (پورتال بانکداری اسلامی) <http://www.mbri.ac.ir>

۲. Focus Group

۳. Delphi method

شکل ۱. الگوی پیشنهادی روش شناسی برای تدوین نقشه راه و برنامه راهبردی بانکداری اسلامی



در ادامه به تبیین فازهای الگوی پیشنهادی فوق پرداخته شده است:

فاز اول: تدوین طرح تفصیلی و چارچوب نظری

در این مرحله ابتدا با تشکیل جلسات خبرگی با حضور نمایندگان بانک موردنظر و اساتید مشاور پروژه، طرح تفصیلی اجرای پروژه (شامل جامعه و نمونه آماری، تدوین ساختار شکست فازهای بعدی پروژه (WBS)، معرفی و تایید همکاران اجرایی پروژه، و تشکیل کمیته راهبری و کمیته‌های اجرایی مشترک) تدوین می‌شود. سپس به منظور الگوبرداری و بهره‌مندی از آخرین مباحث علمی و نتایج و دستاوردهای سایر طرح‌های مشابه داخلی و خارجی، با روش تحقیق کتابخانه‌ای چارچوب نظری و پیشینه اجمالی تحقیق با مطالعات کتابخانه‌ای در منابع دست اول بانک‌های اطلاعاتی معتبر

داخلی و خارجی تدوین خواهد شد. در این بخش، طرح حاضر وارد تولید محتوای جدید در بانکداری اسلامی نخواهد شد و با روش فراتحلیل به بررسی و تحلیل نظریه ها و پیشینه موجود پرداخته خواهد شد.

فاز دوم: ترسیم شرایط مطلوب بانکداری اسلامی

در این مرحله با روش تحقیق مطالعه اسنادی و رجوع به اسناد بالادستی شامل اساسنامه، قوانین، مقررات، الزامات فقهی و...، انتظارات اسناد بالادستی از شرایط مطلوب بانک موردنظر و عملکرد بانکداری اسلامی آن از جنبه های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و تکنولوژیکی تدوین می شود. در این مرحله جهت ترسیم وضعیت مطلوب، نظریات مشترک صاحب نظران و فقها در خصوص بانکداری اسلامی شناسایی می شود و جنبه های مختلف نظریات متفاوت تبیین خواهد شد. سپس بر اساس نتایج فراتحلیل انجام شده در فاز قبل، نظریه مبنایی و پشتیبان مدنظر انتخاب و بر اساس آن ابعاد و معیارهای بانکداری اسلامی نظریه احصا می شود. سپس شاخص های عملیاتی جهت سنجش وضعیت موجود بانک در فاز بعدی تدوین خواهد شد.

فاز سوم: تعیین وضعیت موجود بانکداری اسلامی در بانک موردنظر

در این مرحله با تحلیل شرایط محیط درونی و بیرونی، و وضعیت موجود بانکداری اسلامی در بانک موردنظر به دست می آید. برای این منظور از شاخص هایی که در فاز قبل بدست آمده است استفاده خواهد شد. جهت تعیین وضع موجود، ساختارها، روش های جاری و فرایندهای کاری بانک موردنظر بر اساس شاخص های بانکداری اسلامی مورد بررسی قرار گرفته و میزان تحقق آنها سنجش می شود. این امر با استفاده از روش تحقیق پیمایشی و انجام مشاهدات علمی و انجام تحقیق میدانی و توزیع پرسشنامه انجام می پذیرد. سؤالات اصلی در این مرحله شامل سؤالات ذیل است: عوامل اثرگذار درونی و بیرونی بر کیفیت بانکداری اسلامی چیست؟ چه شاخص هایی نشان دهنده عملکرد اسلامی بانک می باشند؟

فاز چهارم: تدوین راهبردها

در این مرحله با استفاده از روش گروه کانونی و با کمک رویکردها و مهارت های مدیریت مالی و تکنیک های بانکداری شکاف و فاصله ی واقعی میان وضعیت موجود و شرایط مطلوب بانک موردنظر استخراج شده و راهبردهای عملیاتی و گام به گام برای رسیدن از وضع موجود به وضع مطلوب پیشنهاد می شود. این راهبردها در سه حوزه اصلی شامل پژوهش، آموزش و اجرا به صورت راهبردهای کلان و خرد ارائه خواهند شد. در این مرحله سعی خواهد شد تا نظریات مختلفی از

صاحب‌نظران که قابل جمع هستند را به یکدیگر نزدیک کرده و در خصوص سایر نظریات متفاوت و غیرقابل جمع، مستند به نظریه پشتیبان و مبنایی انتخاب شده در فاز دوم، راهبردهای بانکداری اسلامی تدوین گردد.

فاز پنجم: ترسیم نقشه راه و جمع بندی

در این مرحله با استفاده از روش‌های تحلیل و فراتحلیل اسناد و گزارش‌های به دست آمده، نقشه‌ی راه اجرای راهبردها به صورت جداگانه تدوین می‌شود. این نقشه راه در سه قسمت اصلی شامل اقدامات پژوهشی، اقدامات آموزشی و اقدامات اجرایی خواهد بود. همچنین در این مرحله پس از جمع بندی نتایج طرح، بازخورهای نهایی از مدیران بانک موردنظر گرفته شده و اصلاحات لازم صورت می‌پذیرد.

جمع بندی

اطاعت از قانون الهی در باره تحریم ربا و بانکداری اسلامی، تنها به آثار اخروی محدود نمی‌شود، بلکه به علل متعددی به نظام بانکداری و تامین مالی جامعه و به تبع آن به بهبود مستمر نظام اقتصادی جامعه اسلامی کمک می‌کند. البته برای رسیدن به این آثار و منافع، داشتن نقشه راه و راهبردهای مدون برای بانکداری اسلامی ضروری می‌باشد. از همین رو در تحقیق حاضر تلاش شد با روش توصیفی و مروری در منابع دست اول علمی و با کمک خبرگان بانکداری اسلامی کشور، چارچوبی علمی برای روش شناختی تدوین این نقشه راه پیشنهاد گردد. چارچوب ارائه شده در این مقاله دارای پنج فاز اصلی شامل فاز اول: تدوین طرح تفصیلی و چارچوب نظری، فاز دوم: ترسیم شرایط مطلوب بانکداری اسلامی، فاز سوم: تعیین وضعیت موجود بانکداری اسلامی در بانک موردنظر، فاز چهارم: تدوین راهبردها و فاز پنجم: ترسیم نقشه راه و جمع بندی می‌باشد. البته روش‌شناسی است که با توجه به شباهتهای عملکردی که بین بانکهای کشور وجود دارد، بخشی از این نقشه راه برای بانکها مشابه خواهد بود، اما با توجه به قابلیت‌ها و ماموریت‌های منحصر به فردی که هر کدا از بانکها دارند، میتوانند در این نقشه راه عوامل کلیدی موفقیت و نقاط ارزش آفرین خود را تعیین نمایند.

منابع و مآخذ

- اکبریان، رضا، رفیعی، حمید (۱۳۸۶). بانکداری اسلامی؛ چالش‌های نظری عملی و راهکارها. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی / سال هفتم / شماره ۲۶ / تابستان ۱۳۸۶
- باستانی فر، ایمان و همکاران (۱۳۹۴)، طراحی و برآورد تابع زیان مقام پولی مبتنی بر اهداف بانکداری اسلامی، دوفصلنامه جستارهای اقتصادی ایران، سال ۱۲، شماره ۲۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۴.
- سایه‌میری، علی، محمدی، سمیرا، داب، آسیه (۱۳۹۳). تحلیلی بر ثبات اقتصادی در بانکداری بدون ربا. فصلنامه علمی-ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره ششم و هفتم، بهار و تابستان ۱۳۹۳، صص ۱۰۳-۱۱۶
- شایگانی، بیتا، مصعب عبداللہی ارانی (۱۳۹۰). بررسی ثبات در بخش بانکی اقتصاد ایران. فصلنامه علمی پژوهشی، شماره ۱۶.
- کمپجانی، اکبر، فرزین‌وش، اسدالله، کبایه‌الحسینی، سیدضیاءالدین (۱۳۹۲). قاعده سیاست پولی مطلوب در محیط بانکداری بدون ربا. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال سیزدهم، شماره ۵۰، تابستان ۱۳۹۲.
- موسویان، سید عباس (۱۳۸۵). الگوی جدید بانکداری بدون ربا. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی. شماره ۲۳
- موسویان، سید عباس (۱۳۸۵). مبانی فقهی و حقوقی الگوی جدید بانکداری بدون ربا. روزنامه سرمایه، شماره ۲۶۷ به تاریخ ۱۴/۶/۸۵، صفحه ۷ (بانکداری)
- نظرپور، محمدتقی و لطفی نیا، یحیی (۱۳۹۴)، اجرای صحیح تسهیلات سلف در بانکداری اسلامی به کمک بورس تخصصی کالا، دوفصلنامه تحقیقات مالی اسلامی، سال ۴، شماره ۸، بهار و تابستان ۱۳۹۴.
- وحیدی تورچی، مریم، خاکی، فرشته (۱۳۹۲). الزامات تحول از بانکداری بدون ربا به بانکداری اسلامی. نخستین کنفرانس ملی توسعه مدیریت پولی و بانکی. ۸ و ۹ بهمن ماه ۱۳۹۲. تهران.
- (EY) Ernst & Young (2014). Global Takaful insights: Market updates.
- Abdul, Gafoor, A. L. M (1995); Islamic Banking Interest Free Commercial Banking; Geroningen: Apptec Publications.
- Azmat, Saad., Skully, Michael., Brown, Kym (2015). Can Islamic banking ever become Islamic? Pacific-Basin Finance Journal. <http://dx.doi.org/10.1016/j.pacfin.2015.03.001>
- Chapra, M. Umer (1992). Towards a Just Monetary System. The Islamic Foundation, Liecester.

- Chong, B.S., Liu, M.-H. (2009). Islamic banking: Interest-free or interest-based?, Pacific-Basin Finance Journal, 17, 125–144
- Iqbal, Zamir (1997). Islamic financial systems. Finance & Development 43, 42–45.
- Khan, Mohsin S., Mirakhor, Abbas (1989). Islamic banking: experiences in the Islamic Republic of Iran and Pakistan. IMF Working Paper No. WP/89/12. International Monetary Fund, Washington DC.
- Mills, Paul S., Presley, John R. (1999). Islamic finance: Theory and practice. Macmillan, London